

کتابخانه

● مجموعه پنج جلدی «خودم داستان می‌خوانم» قصه‌هایی از خرگوش ناقلا برای کودکان با هدف افزایش مهارت‌های خواندن، نوشتن، شنیدن و سخن گفتن کودکان سال‌های نخست دبستان به‌تازگی منتشر شده است. «دعوت از خرگوش ناقلا»، «سطل چسب خرگوش ناقلا»، «خرگوش گنده»، «سوسیس‌های خرگوش ناقلا» و «کنج خرگوش ناقلا» عنوان‌های مجموعه «خودم داستان می‌خوانم» هستند. این مجموعه داستان خرگوش ناقلا و سه حیوان دیگر است که به‌وسیله مهدی ضرغامیان بر اساس متنی از انید بلیتون ترجمه و بازآفرینی شده است. در معرفی این مجموعه عنوان شده است: «خودم داستان می‌خوانم» علاوه بر داستانخوانی سعی دارد با تمرینات متنوع مرتبط با داستان مانند پرسش‌های شفاهی و کتبی، درک معنای لغات فارسی، ترکیب‌بندی، جمله‌سازی، نمایش نامه‌نویسی و خلاصه‌نویسی چهار مهارت عنوان‌شده را در کودکان تقویت کند.» □

● نشر نو کتاب «دیگر اخبار نخوانید! (مانیفستی برای زندگی شادتر و آرام‌تر و عقلانی‌تر)» نوشته رولف دوپلی را به‌تازگی با ترجمه فائزه طباطبایی منتشر و راهی بازار نشر کرده است. این کتاب یکی از عناوین مجموعه «کتابخانه فلسفه زندگی» است که این ناشر چاپ می‌کند. نسخه اصلی این کتاب سال ۲۰۰۶ در لندن چاپ شده و نویسنده آن راجز به دوقلوهایش به همسرش تقدیم کرده که خواندن اخبار را مدت‌ها پیش از نوشتن کتاب کنار گذاشته است. □

● کتاب «خاطرات سیاسی قوام‌السلطنه» اثر غلامحسین میرزاصالح به‌تازگی به وسیله انتشارات معین به چاپ پنجم رسیده است. این کتاب پر از مسائلی تاریخی و سیاسی مربوط به دیپلماسی زاده‌خواهانه انگلستان، آمریکا و شوروی در قبال ایران است. جالب است که نویسنده خاطرات کتاب پیش رودر آغاز یادداشت‌های خود پس از شرح مسافرتی که به مسکو و ملاقات با ژنرال ایسم استالین داشته این جملات را آورده است: «من با یک صفای باطن نسبت به روس‌ها به مسکو رفتم، در حالی که با یک مغز پرتزویب دربار آنها به تهران برگشتم.» احمد قوام مشهور به قوام‌السلطنه یکی از سیاستمداران مهم ایرانی مربوط به پایان دوران قاجار و سلسله پهلوی است. □

روی خط خبر

● «واریاسیون نوایی» عنوان تازه‌ترین اثر منتشرشده هوشنگ کامکار، مدرس و آهنگساز مطرح موسیقی کشورمان، است که با تقدیم به همه هنرمندان موسیقی نواحی کشورمان در دسترس مخاطبان قرار گرفت. این اثر در اواخر سال ۱۳۹۸ در استودیو صبا اجرا شده است. هوشنگ کامکار در یادداشتی به مناسبت انتشار این قطعه نوشته است: «تاکنون به طور رسمی نامی برای انواع موسیقی‌های غیرسنجی و دستگاهی ایران اعلام نشده و با واژه‌هایی چون موسیقی بومی، محلی، نواحی، فولکلوریک و مقامی شناخته می‌شود و در این میان من نیز به‌ناچار از واژه «نواحی» استفاده کرده‌ام که به نظر می‌رسد همچنان جای اشکال دارد.» □

● تعدادی از آثار منتخب موسیقی اصیل ایرانی که چند دهه اخیر مورد پسند شوندگان موسیقی قرار گرفته در قالب آلبوم «امان از این دل» با هنرمندی مسعود جامد به عنوان نوازنده نی، فضل‌الله شهرکی به عنوان نوازنده تمبک و علیرضا آقاجری به عنوان خواننده منتشر شد. □

● براساس اعلام نمایندگی فدراسیون جهانی هنر عکاسی (فیاپ) در ایران، محسن محمدخانی عکاس پیشکسوت ایرانی یازدهم مرداد بر اثر ایست قلبی درگذشت. چهار دهه فعالیت فشرده عکاسی در همه زمینه‌ها باعث شده تا در محیط‌های علمی و آموزشی او را محقق عکاسی و در حوزه صنایع و کارخانه‌های تولیدی داخلی و خارجی او را عکاس صنعتی و تبلیغاتی بشناسند و برخی که دوستدار طبیعت و ابنیه تاریخی کشور هستند، او را عکاس طبیعت بنامند. از سوی دیگر، متولیان فرهنگی، هنرمندان، ناشران و مسئولان موزه‌های کشور او را عکاس آثار فرهنگی می‌دانند. □

● نویسندگان «سوپرانوها» و «رفقای خوب» و در واقع دو تن از شناخته‌شده‌ترین و خوش‌نقدترین نویسندگان ژانر مافیایی می‌خواهند دوباره در پروژه جدید خود وارد ژانر جنایت سازمان‌یافته بشوند. شوتایم چراغ سبز را به ساخت این پروژه نشان داده و تاکنون نام ترنس وینترو نیکولاس پیگلی برای نویسندگی این اثر برده شده است. □

● سومین دوره جشنواره تئاتر اکبررادی به دلیل پایان نامعلوم شیوع ویروس کرونا و حفظ سلامت شرکت‌کنندگان و هنرمندان در شرایط اپیدمی بیماری کرونا در سال ۹۹ برگزار نمی‌شود. □

دعوت افسانه بایگان برای تماشای یک فیلم

افسانه بایگان از همه مخاطبان سینما دعوت کرد که با دیدن فیلم یلدا اثر متفاوت سینمای ایران در اقدام انسانی آزادی یک زندانی محکوم به قصاص سپهمن شوند. او پس از تماشای فیلم سینمایی یلدا به کارگردانی مسعود بخشی و تهیه‌کنندگی علی مصفا در مراسم اکران ویژه، درباره قصه این فیلم که روایتگر دو مفهوم بخشش و قصاص است، به ایسنا گفت: «روایت موضوعاتی چنین حساس زوایای مختلفی دارند که باید به آنها چه از زاویه بخشش و چه از زاویه حقی که برای قصاص وجود دارد، پرداخته شود. امیدوارم که هنرمندان و هر فردی که کاری از دستش برمی‌آید در این زمینه فعالیت کنند؛ زیرا ما کسانی را داریم که واقعا بی‌گناه هستند اما در یک لحظه هیجانی شده و در حرکتی غیر عمد باعث می‌شوند مسیر زندگی اشخاص زیادی درگیر این جریان شود. چه فردی که قصاص می‌شود و خانواده‌ای که فرزندی را به این شکل از دست می‌دهد و چه خانواده‌ای که فردی را از دست داده و الان باید تصمیم بگیرد که می‌بخشد یا نه، همه درگیر این جریان تلخ می‌شوند و زندگی آنها تحت تأثیر این اتفاق قرار می‌گیرد. از آنجا که تمامی عواید فروش فیلم یلدا برای آزادی مرتکب یک قتل غیر عمد و محکوم به قصاص اختصاص یافته است از همه مخاطبان سینما دعوت می‌کنم که با دیدن این اثر فاخر و متفاوت انسانی سپهمن شوند.»



آلن پارکر؛ سینما در مسیر آزادی

□ **پولاد امین** روز گذشته از خسرو سینیایی گفتیم. کسی که به قول لوریس چکنواوریان «هنرمند به تمام معنای کلمه بود». همزمان با خسرو سینیایی اما آلن پارکر نیز رفت. فیلمسازی با انبوه آثار درجه یک متفاوت، از «اجاق سرد آنجلا» و «قطار سریع نیمه شب» تا «می‌سی‌سی‌بی می‌سوزد»، «اویتا» و «باگزی مالون» و البته «دیوار پینک فلوید» که به گفته مارتین اسکورسیزی «متفاوت‌ترین موزیکالی است که تاریخ سینما شاهدش بوده». اثری که ابتدا موسیقی و سپس سینما را تا حد فعالیت مستقیم سیاسی ارتقا داد، وقتی در آفریقای جنوبی و پس از آن در متن دیگر مبارزات آزادیخواهانه، دانش‌آموزان و دانشجویان به تنگ آمده از ستم و بی‌عدالتی، یک صدا یا بر زمین کوبیدند و بخشی از قطعه «خشتی در دیوار» را فریاد زدند که «ما آموزش نمی‌خواهیم، ما کنترل فکر نمی‌خواهیم».

و چنین شد که دیوار چیزی شد در مایه‌های سرود اینترناسیونال؛ فریادی مشترک علیه ظلم و در این داستان آلن پارکر هم نقش پرزگی داشت. فیلمسازی که اگر چه هیچ‌گاه برنده اسکار نشد اما در این رویداد (به عنوان مهم‌ترین و باشکوه‌ترین رخداد سینمایی جهان) همواره آتارش مورد توجه بود و عوامل فیلم‌هایش ده بار گلدن گلوب و ده بار هم جایزه اسکار را به خانه بردند.

فردای درگذشت آلن پارکر منتقدی در توییتر نوشت: «فیلم‌هایش مودیکانه‌ای داشتند. فیلمسازی یکه با نگاهی ویژه به دنیا که او را در زمره خاص‌ترین فیلمسازان ۴۵ سال اخیر سینمای جهان قرار می‌داد.» «بردی» را به یاد دیوار می‌وشوق پرواز یاس! لود دوستان به آخر خط رسیده یا تمسفر غریب «قلب آنجل» و بلاخره اثر مشهورش دیوار که با اطمینان می‌شود گفت بهترین موزیکال چهار دهه اخیر سینماست. موزیکالی با کمترین میزان دیالوگ که جهان بزرگ آلبوم دیوار پینک فلوید را به بهترین وجه به زبان تصویر برگرداند. آلن پارکر با مرگش بخشی از خاطرات عزیز عاشقان سینما و موسیقی را با خود برد.»

پیتر برادشاو، منتقد سرشناسی که بیشتر مطالبش در گاردین چاپ می‌شود، دیگر مرثیه‌گوی درگذشت پارکر بود: «آخرین باری که پارکر را دیدم در لندن بود همیشه برای اینکه به او نگفتم چقدر عاشق «شلیک به ماه» و «دیوید گیل» بود دیگر فیلم‌های او هستند، خودم اسرزش می‌کنم. او یک نیروی بزرگ در سینما بود و این کسب و کار بدون او کمی از قدرتش را از دست داده است.» فقدان پارکر اما تنها برای منتقدان و اهالی سینما مهم نبود و انبوه سینما دوستان عادی نیز در این دو روزی که از مرگ او می‌گذرد، درباره‌اش نوشته‌اند. درباره سینماگری که به نسلی تعلق داشت که یک بار دیگر سینمای بریتانیا را بدل به قطبی در سینمای جهان کردند. با این تفاوت که پارکر برخلاف بیشتر سینماگران بریتانیایی که موفقیت‌شان به نحو تناقض آمیزی به معنای مهاجرت به هالیوود بود، سینمای بریتانیا را رها نکرد. او که ورودش به سینما از راه ساخت فیلم‌های تبلیغاتی بود به گفته خودش در آن روزگار از سینما و کارگردانی چیزی بیشتر از «اکشن» و «اکت» بلبل نبود، خیلی زود مسیر موفقیت را طی کرد و تبدیل شد به یکی از مهم‌ترین نام‌های سینمای بریتانیا و اروپا و جهان.

صدای یک نسل

در روز و روزگاری که سینمای جهان برای عده‌ای تنها در قالب نسخه‌های بی‌کیفیت وی‌اچ‌اس معنادار است که همان هم باید نپنهانی و قاچاق دیده دست به دست می‌شد، آلن پارکر با فیلم «دیوار» ش بانام کامل «دیوار پینک فلوید» یکی از ستارگان نسلی بود که دل‌داده سینمای متفاوت و هنری با اعتراض‌گریان «دیوار» هم‌نات‌پنداری می‌کرد.

آلن پارکر البته حتی بدون فیلم دیوار هم از بزرگان سینمای دنیا است. با «بردی»، «اجاق سرد آنجلا»، «قطار سریع نیمه شب»، «می‌سی‌سی‌بی می‌سوزد»، «اویتا»، «باگزی مالون» و البته «شلیک به ماه» و «زندگی دیوید گیل». با این حال کارنامه این فیلمساز که خودش در گفت‌وگویی زندگینامه‌ای می‌بی‌بی‌سی گفته که «در سال‌های آخر جنگ، دو هفته بعد از آخرین بمباران لندن لندن، در چهارده فوریه ۱۹۴۴ متولد شده» تا حد زیادی مدیون «دیوار» است. فیلمی کالت در بیشتر نقاط دنیا که از نظر بسیاری از دوستدارانش مصداق کامل و عالی «دن به سیم» است. فیلمی که عده زیادی آن را صدای یک نسل می‌دانند. نسلی که هنوز امید به آزادی و یک دنیا بهتر از آن دست‌ناده بود و امیدوار بود که با اعتراض و فریاد این مسیر را به خوبی طی خواهد کرد. امیدها اما خیلی زود رنگ باختند تا جایی که فردای مرگ آلن پارکر نیویورک تایمز نوشت که «تماشاگر امروز سینما با تماشاگر دیوار و چندباره «دیوار» نیز نمی‌تواند معنای محبوبیت توضیح‌ناپذیر این فیلم را درک کند و توضیح دهد».

دیواری به بلندای آسمان

وقتی چهل و یک سال پیش گروه افسانه‌ای پینک فلوید داشت یازدهمین آلبوم استودیویی‌اش را آماده می‌کرد، شاید هیچ‌کدام از اعضای گروه و به‌خصوص راجر واترز که گفته می‌شود آلبوم «دیوار» کلا از زندگی و سرنوشت او الهام گرفته، فکرش را هم نمی‌کردند که این آلبوم به‌فقط یک بل به افسانه‌ای در دنیا موسیقی را که خواهد شد که خواهد توانست موسیقی دنیا را تحت تأثیر قرار داده و تبدیل به یکی از شمایل‌های اواخر قرن گذشته و ترجمانی از سال‌های آخر جنگ سرد خواهد شد. اما این اتفاق افتاد و حالا چهار دهه بعد از آن روزها «دیوار» هنوز و همچنان هست و مهم هم هست؛ به‌خصوص با تم اعتراضی-سیاسی‌اش که باعث شده در جوامعی که هنوز از التهابات اواخر قرن گذشته دور نشده‌اند، همچنان در مرکز توجه قرار داشته باشد. ماجرای این آلبوم از زمانی آغاز شد که «پینک فلوید» در اوج موفقیت و شهرت در حضور بیش از ۸۰ هزار نفر در ورزشگاه المپیک مونترال به اجرای کنسرت پرداخت. در این بین گروهی از تماشاگران شروع کردند به آتش بازی و ایجاد سروصدا که این موضوع اعتراض شدید راجر واترز را در پی داشت و بعد از پایان اجرا هم گفت که دوست داشت دیواری بین خودش و مخاطبان می‌کشید تا می‌توانست به خوبی موسیقی‌اش را

اجرا کند. در گزارشی که «بی‌بی‌سی» در چهل‌مین سالگرد ساخت «دیوار» منتشر کرد، آمده که همین اتفاق، زمینه‌ای بود برای واژه‌های «دیوار» و «پینک» در کودکی پدر خود را در جنگ جهانی دوم از دست می‌دهد. مادرش با سختگیری تمام او را بزرگی می‌کند و معلم‌ها در مدرسه اشعار او را مسخره می‌کنند. در نهایت پینک ستاره موسیقی را می‌شود، اما این بار شهرت او از پای درمی‌آورد و او در تنهایی بی‌انتهاپی غرق می‌شود»

دیوار پارکر

زندگی آلن پارکر و «دیوار» نقاط عطف و مشترک بسیاری دارد. در واقع به گفته منتقدی، فراز و فرودهای زندگی پارکر (دوران فیلم‌های تبلیغاتی، تجربه جنگ جهانی دوم، ریشه‌های کارگری، کار با کودکان، سینمای موزیکال و...) کمابیش همان عناصر سازنده «دیوار» است. برای همین هم پازل نهایی خوب چیده شد و فیلمی حاصل آمد که از آن به‌عنوان «بیانیه مشترک نسل کودکان آسیب‌دیده از جنگ که تجربه سیاه جنگ دوم هنوز رهاپیشان نکرده» نام برده می‌شود. در این بین برخلاف موفقیت تاریخی تثبیت‌شده «دیوار» و درخشش این نام در کارنامه آلن پارکر، شاید باورکردنی نباشد که در دوران خودش دیوار را بسیاری از آکادمیسین‌های سینما مورد لعن و نفرین قرار دادند. در گزیده نقدهایی که از آن روزها به جای مانده، می‌توان به نقدهایی بر خورد که از «دیوار» به‌عنوان «پیش از حد داشته»، «شعاری و سطحی» و البته فیلمی که «خودش را خیلی جدی می‌گیرد» یاد کرده‌اند. عده‌ای نیز می‌گویند که در این دیده‌شده‌ترین فیلم کارنامه‌اش در حد یک «گردآورنده» و «تدوین کننده» عنوان کرده‌اند که به خوبی توانسته از موسیقی درخشان «پینک فلوید» استفاده کند و با قرار دادن سکانس‌های انیمیشنی، که نیروی حیاتی فیلم مدیون‌شان است (و البته آنها را پارکر ن ساخته و بیشتر کار کاریکاتورریست سیاسی، جرال اسکارف هستند)، در کنار این موسیقی، فیلمی حاصل آورد که در تاریخ هنر اعتراضی می‌توان فصلی را به‌طور کامل به آن اختصاص داد. فیلمی محبوب که تماشاگران یک نسل تنهایی، ناامیدی، طغیان، رویاها و آرزوهای سرکوب‌شده خود را در آن دیده و یافته‌اند.

آخرین گفت‌وگو

آلن پارکر در یکی از آخرین گفت‌وگوهایش در پاس‌بچه‌خبرنگار سایت موسسه فیلم بریتانیا- که متن گفت‌وگو در گاردین منتشر شده- می‌گوید: «فیلمسازی خیلی کار سختی است. در واقع فیلمسازی یعنی دو سال از زندگی فیلمساز. من خودم در زمان ساخت هر کدام از فیلم‌هایم حداقل دو سال، همه‌روزه کار کرده‌ام. هنوز هم اگر قرار باشد فیلمی را شروع کنم همان کار را خواهم کرد و به این نوع زندگی هم افتخار می‌کنم. چرا که می‌دانم برای هر کدام از فیلم‌هایم نهایت تلاش را کرده‌ام و بهترین فیلمی که بتوانم آن را داشته‌ام، اریه داده‌ام. تماشاگر هم این را به خوبی می‌فهمد. با این حال، همیشه بعد از هر فیلمی تردید داشته‌ام که دوباره این راه را ادامه دهم یا نه.» آلن پارکر می‌گوید دلیل تردیدهایش این بوده که «با فیلم و فیلمساز خیلی بی‌رحمانه برخورد می‌شود. این مسئله به‌خصوص در بعضی از سرزمین‌ها از جانب دولت هم رخ می‌دهد و آنها نمی‌توانند کسی را تحمل کنند که خارج از سیستم دربار ناکارآمدی‌های سیستم نظر می‌دهد و انتقاد می‌کند.» □

**آگهی مناقصه عمومی یک مرحله ای**

**شماره: ۲۴۰۰۰۰۰۱۴۰۵۰۹۹۹۰۰**

**جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران**

**جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران در نظر دارد نسبت به خرید اقلام مورد نیاز خود به شرح جدول ذیل از طریق برگزاری مناقصه عمومی یک مرحله ای و از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت اقدام نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران (علاوه بر ارائه پاکات به صورت فیزیکی) و بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس [www.setadiran.ir](http://www.setadiran.ir) انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. تاریخ انتشار مناقصه در سامانه تاریخ ۹۹/۵/۱۳ می باشد.**

| ردیف | موضوع    | واحد | تعداد  | تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار | نوع تضمین        |
|------|----------|------|--------|--------------------------------|------------------|
| ۱    | خرید کفش | جفت  | ۱۰/۰۰۰ | ۱/۱۲۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال             | ضمانت نامه بانکی |

– مهلت زمانی دریافت اسناد از سایت: حداکثر تا ساعت ۱۹ مورخ ۹۹/۵/۱۶

– مهلت زمانی ثبت پیشنهاد در سامانه: حداکثر تا ساعت ۱۹ مورخ ۹۹/۵/۲۶

– زمان تحویل فیزیکی پاکات: تا پایان ساعت اداری مورخ ۹۹/۵/۲۷

– زمان بازگشایی پاکات: ساعت ۱۰ مورخ ۹۹/۵/۲۸

**نشانی و شماره تماس:** تهران- خیابان ولی عصر (عج)- بالاتر از خیابان میرداماد- نبش خیابان رشید یاسمی- ساختمان صلح جمعیت هلال احمر- طبقه اول- دبیرخانه کمیسیون معاملات و تلفن ۰۲۱-۸۵۶۳۲۰۴۴

**اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه:** مرکز تماس ۴۱۹۳۴

**دفتر ثبت نام:** ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۶۸

معاونت توسعه منابع انسانی و پشتیبانی  
جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران